



Sociological Reflection on the System of Social Problems and Harms (Case study of West Azarbaijan Province)

Afshar Kabiri¹

1. Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, Urmia University, Urmia, Iran.
Email: a.kabiri@urmia.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 30 October 2023 Received in revised form: 14 February 2024 Accepted: 28 February 2024 Published online: 15 July 2024</p> <p>Keywords: Social Issue, Identification, Prioritization, Constructivism, Interpretive Structural Model.</p>	<p>The purpose of this article is to identify and prioritize the system of social issues and harms in West Azerbaijan Province to align the executive field with the academic field, create a common conceptual space, and draw the attention of executive managers to the scientific findings of the social field in order to achieve social development. Social realism and constructivism are the two primary theoretical approaches that have been proposed for the examination of social issues and damages. The system of problems and the relevance and priority of social issues from the elites' perspective have been identified through the application of constructivism in this research.</p> <p>The current research methodology is inductive in terms of research strategy, qualitative in terms of research nature, applied in terms of purpose, and exploratory in terms of data analysis. The statistical population of this research consists of key informants and expert experts in the field of social hazards, including university professors of social sciences, executive managers, and experts in the social field. These individuals were selected using non-probability targeted sampling. The unit of analysis in this research is harms and social issues, while the unit of observation is a person with either personal experience or an opinion regarding social harms. The data was collected using the semi-structured interview technique, focus group meetings, and Delphi technique, and the data was analyzed using "Mic Mac" software.</p> <p>The experimental results of the research suggest that the province's social system is in an unstable state in terms of social damages and institutional malfunction (management weakness) due to the distribution of variables and indicators in the axes of influence and direct and indirect dependence of the issues on each other. Marginalization, addiction, street children, divorce, poverty, and unemployment are regarded as fundamental, strategic, and critical issues. Consequently, it is imperative to prioritize these issues in the planning of social interventions in light of the results and findings of this research.</p>

Cite this article: Kabiri, A. (2024). Sociological Reflection on the System of Social Problems and Harms (Case study of West Azarbaijan Province). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(2): 179-201.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.367430.1454>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.367430.1454>



تأملی جامعه‌شناختی بر نظام مسائل و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: استان آذربایجان غربی) افشار کیبری^۱

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: a.kabiri@urmia.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف این مقاله، شناسایی و اولویت‌بندی نظام مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان آذربایجان غربی برای همسوکردن حوزه اجرایی با حوزه دانشی و ایجاد یک فضای مفهومی مشترک و جلب توجه مدیران اجرایی به یافته‌های علمی حوزه اجتماعی برای نیل به توسعه اجتماعی است. به لحاظ نظری، دو رویکرد عمده واقعیت‌گرایی اجتماعی و برساخت‌گرایی در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی طرح شده است که در این تحقیق از رویکرد برساخت‌گرایی برای شناسایی نظام مسائل و تشخیص اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی از دیدگاه نخبگان بهره گرفته شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۸	روش‌شناسی پژوهش حاضر از منظر راهبرد استقرایی، از لحاظ ماهیت کیفی، از نظر هدف کاربردی، و به لحاظ تحلیل داده‌ها اکتشافی است. جامعه آماری پژوهش شامل مطلعان کلیدی و کارشناسان خبره در حوزه آسیب‌های اجتماعی (استادان دانشگاهی علوم اجتماعی، مدیران اجرایی و کارشناسان حوزه اجتماعی) است که به شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان انتخاب شدند. واحد تحلیل این پژوهش، آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، واحد مشاهده در این پژوهش فرد صاحب‌نظر یا صاحب تجربه در حوزه آسیب‌های اجتماعی است. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، جلسات گروه متمرکز و تکنیک دلفی و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵	یافته‌های تجربی پژوهش حاکی از آن است که نحوه پراکنش متغیرها و شاخص‌ها در محورهای تأثیرگذاری (نفوذ) و تأثیرپذیری (وابستگی) مستقیم و غیرمستقیم مسائل بر همدیگر، سیستم اجتماعی مرکز استان را به لحاظ آسیب‌های اجتماعی در وضعیت ناپایدار نشان می‌دهد و بدکارکردی نهادی (ضعف مدیریتی)، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، کودکان خیابانی، طلاق، فقر و بیکاری از مسائل اساسی، راهبردی و کلیدی محسوب می‌شوند. براساس نتایج و یافته‌های این پژوهش در برنامه‌ریزی برای مداخلات اجتماعی ضرورت دارد این مسائل به‌عنوان مسائل اولویت‌دار مدنظر باشد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۴/۲۵	
کلیدواژه‌ها: اولویت‌بندی، برساخت‌گرایی، شناسایی، مدل ساختاری تفسیری، مسئله اجتماعی.	

استناد: کیبری، افشار (۱۴۰۳). تأملی جامعه‌شناختی بر نظام مسائل و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: استان آذربایجان غربی). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۳): ۱۷۹-۲۰۱.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.367430.1454>



DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.367430.1454>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و طرح مسئله

هر جامعه‌ای به‌طور اجتناب‌ناپذیری با میزانی از مسائل اجتماعی روبه‌رو است؛ مسائلی از قبیل فقر و نابرابری، تورم، بیکاری، تکدی‌گری، کودکان کار و خیابانی، فساد اخلاقی، طلاق و اعتیاد و ناکارآمدی نهادی و... که همه بخشی از دل‌مشغولی دائمی جامعه است. داعیه اولیه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی نیز فراهم‌آوردن فهم کلی درباره چستی و چگونگی و اهمیت مسائل اجتماعی برای جامعه است (هورتون، ۱۹۷۸: ۹۱). مسائل اجتماعی می‌تواند پیامدهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی و کل جامعه و حتی جهانی داشته باشد. از این‌رو جامعه‌شناسان همیشه با پدیده تراکم مسائل اجتماعی چندانگانه و درهم‌تنیده مواجه هستند. منبع اصلی مسائل اجتماعی، پیامدهای تغییرات در جامعه است. تغییر سازمانی در یک ناحیه از جامعه در توازن بخش‌های جامعه اختلال ایجاد می‌کند و سبب می‌شود تا آن بخش‌ها تنظیمات جدیدی را ایجاد کنند. در صورت عدم تعادل بین اجزا و نبود تنظیم هماهنگ، زمینه مسائل اجتماعی مهیا می‌شود (لوزویک، ۱۳۹۴: ۷۰).

در فرایند سیاست‌گذاری اجتماعی، شناخت و فهم دقیق وضعیت موجود اجتماعی با توجه به پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی‌های آن، پیش‌نیاز هر نوع برنامه‌ریزی توسعه‌ای است؛ به‌طوری‌که شناسایی و تحلیل روند مسائل و آسیب‌های اجتماعی خرد و کلان به‌عنوان یکی از مقدمات تعیین‌کننده در برنامه‌ریزی برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی نقشی مهم و اساسی دارد و نتایج این فرایند، محور و مبنای سیاست‌گذاری اجتماعی برای نیل به توسعه قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری اجتماعی، حالتی از دخالت دولت است که در اهداف اجتماعی مانند عدالت اجتماعی، حمایت از مردم آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی مدبرانه زندگی تجلی می‌یابد. از این‌رو، سیاست‌گذاری اجتماعی در بافتار و متن اجتماعی معنا پیدا می‌کند و شامل مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، نهادها و اقدامات می‌شود که تغییر نظم اجتماعی از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را مدنظر دارند.

در نگاه سیاست‌گذاری اجتماعی، توسعه متوازن و پایدار هنگامی حاصل می‌شود که سیاست‌گذاری همراه با بهبود در کیفیت زندگی، مسائل و آسیب‌های اجتماعی را شناسایی و کنترل کند و کاهش دهد. افزایش روند مسائل و آسیب‌های اجتماعی نه‌تنها مانعی برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه است، بلکه مانعی در راه ایجاد جامعه‌ای متعادل و منظم توسعه‌یافته در آینده خواهد بود (یوسفی و اکبری، ۱۳۹۰؛ امین و همکاران، ۲۰۰۶).

تشخیص و تعیین اهمیت و اولویت این مسائل و آسیب‌ها نیز با توجه به شرایط زمانی و مکانی هر جامعه‌ای می‌تواند متفاوت باشد؛ بنابراین تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی در تمام جوامع و مناطق یکسان نیست. لازمه سیاست‌گذاری اجتماعی مطلوب، شناسایی و تشخیص به‌موقع مسائل و آسیب‌های اجتماعی توسط مدیریت اجتماعی است.

این مقاله با توجه به اهمیت سیاست‌گذاری اجتماعی، در پی ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از ماهیت و نظام مسائل و آسیب‌های اجتماعی و اولویت‌بندی با رویکرد آینده‌پژوهشی برای مداخلات اجتماعی است. هدف آن است که با ارائه تحلیلی جامع از مسائل اجتماعی استان آذربایجان غربی، به بهبود و تغییرات اصلاحی در رصد، پایش، کنترل و کاهش مسائل و آسیب‌های اجتماعی برای نیل به توسعه استان گامی برداشت.

۲. مبانی و چارچوب مفهومی

مسئله اجتماعی مسئله ناشی از تعاملات انسانی یا ساختارها و کارکردهای نامناسب جامعه است که توسط بخش مؤثری از اعضای جامعه نامطلوب و مضر تشخیص داده شود و امکان کنترل آن از طریق کنترل جمعی فراهم باشد. مسئله اجتماعی وضعی است که آسایش برخی از مردم یا همه مردم جامعه را به هم می‌زند و معمولاً موضوع بحث عمومی است؛ بنابراین «وضع» به معنای وضعیتی است که دست کم بخشی از مردم آن را دشوار می‌داند، مانند بیکاری یا در مضیقه مالی بودن یا واهمه داشتن از جرم و جنایت و... (مشونیس، ۱۳۹۵: ۲۰).

دیدگاه جامعه‌شناختی با تقسیم‌بندی شرایط پدیده‌های اجتماعی به دو وضعیت بهنجار و نابهنجار، برخی مواقع فرایندهای معطوف به پیدایش شرایط نابهنجار، یا خود این شرایط و برخی مواقع پیامدهای آن را تحت مقوله کلی مسائل و آسیب‌های اجتماعی مدنظر قرار می‌دهد. از منظر امیل دورکیم مسئله اجتماعی مؤید نقض هنجارهای رایج در یک جامعه مشخص، به میزانی فراتر از حد معقول، معمول و رایج آن است (دورکیم، ۱۳۷۳: ۷۸-۷۹). این وضعیت نابسامان طبق نظر دورکیم می‌تواند موجب پیامدهایی مانند تضعیف همبستگی اجتماعی و رواج بی‌نظمی اجتماعی (آنومی) شود. اصولاً در چارچوب بینش کلی جامعه‌شناسی دورکیمی، مسئله اجتماعی ناظر بر وضعیتی است که نظم کارکردی نظام اجتماعی را دچار اختلال می‌کند یا به عبارتی دربرگیرنده شرایطی است که در آن، نبود قواعد نهادینه موجب برهم‌خوردن سازوکارهای تنظیمی در روابط بین افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود. مسلماً آن دسته از مسائلی که بیشتر محل نظم کارکردی جامعه باشند، بیشتر در معرض توجه قرار می‌گیرند و برعکس. در نتیجه مسئله اجتماعی ناظر بر اعمال و شرایطی است که در آن هنجارها و ارزش‌ها یا وجود ندارد یا در مقیاسی قابل توجه نقض می‌شود (افشار کهن و صادقی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

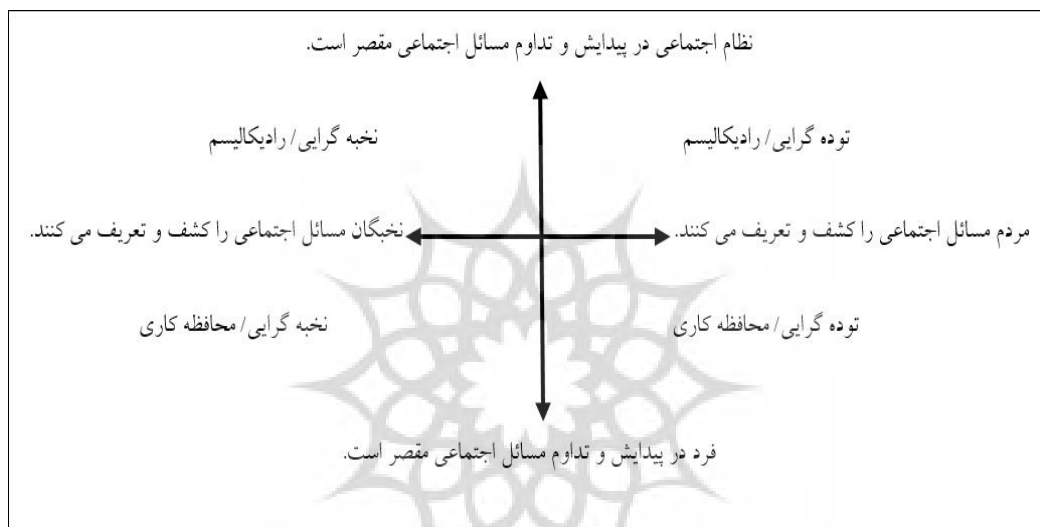
همچنین در تعریف مسئله اجتماعی، هنزلین و لایت (۱۹۸۳) بر این عقیده‌اند که مسئله اجتماعی جنبه‌ای از اجتماع است که افراد نسبت به آن نگران و خواستار تغییر آن هستند. ساموئل کنیک مسئله اجتماعی را شرایطی در نظر می‌گیرد که جامعه آن‌ها را خطری بر راه و رسم زندگی یا راحتی خود می‌داند و به‌ناچار درصدد رفع یا تعدیل آن‌ها برمی‌آید. لئون گوریو (۲۰۰۵) نیز در تعریف مسئله اجتماعی بر واقعیت عینی و ذهنی مسائل اجتماعی و پیامدهای منفی آن‌ها تأکید می‌کند (افشار کهن و صادقی، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

مسئله اجتماعی می‌تواند در معنای شرایط و اوضاع خاصی به کار رود که نیاز به بهسازی داشته باشد. در این صورت، مسائل اجتماعی ناشی از وجود یا نبود تعادل‌های جزئی، و مشکلات یا بن‌بست‌هایی که خروج از آن برای افراد محروم امکان‌پذیر نیست، مطرح نظر قرار می‌گیرند (ظفری، ۱۴۰۱: ۲). مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی را به خود مشغول می‌دارند؛ به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید می‌آید که مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح یا رفع و پیشگیری از آن‌ها وامی‌دارد (عبدالهی، ۱۳۸۶: ۱۲).

جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهارنشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار زیادی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۱: ۱۲). به بیان دیگر سه ویژگی «عام‌بودن»، «ضرورت رفع مسئله» و نیز «اهمیت فرد یا سازمان در حل مشکل» از نکات مهم آن هستند. هورتون ولزلی مسئله اجتماعی را امری می‌داند که اولاً بخش قابل توجهی از جامعه را ناخوشایند بدانند؛ دوم آنکه معتقد باشند برای حل آن باید کاری کرد و سوم آنکه بر این باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند. از نظر اکثر جامعه‌شناسان، معیارهای تعریف مسئله اجتماعی عبارت‌اند از: اختلاف میان ارزش‌های اجتماعی و واقعیت اجتماعی (شکاف بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود)؛ منشأ

اجتماعی مسائل اجتماعی (تجربی بودن مسئله): قضاوت درباره مسئله اجتماعی از سوی اکثریت مردم؛ و قابلیت اصلاح یا کنترل مسائل اجتماعی (حسینی‌نثار، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، با تأکید بر دو موضوع منشأ پیدایش مسائل اجتماعی (فرد منحرف/ نظام اجتماعی) و مرجع تشخیص مسئله بودن یک وضعیت اجتماعی (مردم/ نخبگان) می‌توان چهار رهیافت مختلف را در این ارتباط مشخص ساخت: توده‌گرایی/ رادیکالیسم، توده‌گرایی/ محافظه‌کاری، نخبه‌گرایی/ رادیکالیسم، نخبه‌گرایی/ محافظه‌کاری (افشار کهن، ۱۳۸۲: ۱۰۸). شکل ۱ این تقسیم‌بندی را در مورد منشأ و مرجع تشخیص مسائل اجتماعی نشان می‌دهد.



شکل ۱. رویکرد تحلیلی به مسائل اجتماعی براساس مرجع تشخیص این مسائل و منشأ آنها

با برگزیدن هریک از چهار رویکرد فوق در بررسی مسائل اجتماعی، این مسائل از وجه نظری خاصی درک می‌شوند و به‌طبع برای حل یا کنترل آنها سیاست متمایزی در پیش گرفته می‌شود. «هرگونه دخل و تصرف در این مسائل موکول به شناخت ریشه‌های آنها در همه ابعاد اجتماعی ذی‌ربط است» (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۵). در ادبیات بررسی مسائل اجتماعی علاوه بر معیارهای به‌کاررفته برای تشخیص مسئله اجتماعی، نوعی تأکید بر قابل‌کنترل بودن این دسته از مسائل و حل‌پذیر بودن آنها نزد مرتن و سایر اندیشمندان اجتماعی به چشم می‌خورد. بدین‌سان می‌توان مسائل اجتماعی را از دریچه کنترل‌پذیری آنها و با تأکید بر عامل تأثیرگذار «قدرت» بررسی کرد (پایا، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

۱-۲. رویکرد عینی‌گرایی یا واقعیت‌گرایی اجتماعی.

نسبت به مسئله: در رویکرد عینی‌گرا، مسائل اجتماعی نه‌تنها زندگی انسانی و رفاه اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، بلکه بعد مسئله‌مندی، موجودیت، بزرگی علل و نتایج آن می‌تواند مستقیماً مشاهده یا احساس شود و هرچه مسئله‌ای بیشتر در جامعه گسترش یابد جدی‌تر است.

۲-۲. رویکرد ذهنی‌گرایی یا برساخت اجتماعی نسبت به مسئله

این واقعیت که مردم در زمان‌های مختلف موضوعاتی متفاوت را مسئله اجتماعی قلمداد می‌کنند، حاکی از اهمیت رویکرد تعبیر‌گرایی اجتماعی است. این رویکرد معتقد است وضعیتی به مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود که مردم آن را بد به‌شمار می‌آورند و بر لزوم تغییر آن وضع انگشت می‌گذارند. در این رویکرد، مسئله اجتماعی وجهی ذهنی دارد و بیانگر قضاوت مردم درباره دنیا است. در رهیافت برساخت‌گرایی، مسئله اجتماعی از طریق تعاریف و ادراکات اعضای جامعه ساخته شده است و تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی یا توسط تعداد زیادی از مردم یا توسط چند فرد مهم انجام می‌شود؛ برای مثال با اینکه مسئولان بهداشت هشدار می‌دهند که اکثر مردم جامعه چاق هستند، عموم مردم کشور هنوز چاقی را در ردیف مسائل اجتماعی مهم قرار نمی‌دهند و این امر به‌رغم این واقعیت عینی است که مرگ بر اثر بیماری‌های ناشی از چاقی چندین برابر تلفات در تصادفات جاده‌ای است (مشونیس، ۱۳۹۵: ۲۱). جایگاه موضوعات به مرور ایام تغییر می‌کند؛ برای مثال نتایج مطالعات حاکی از آن است که بر اثر استفاده مردم از موبایل در هنگام رانندگی، سالانه بیش از یک میلیون تصادف رخ می‌دهد و هزاران نفر جان می‌بازند (مشونیس، ۱۳۹۵: ۲۱).

براساس چنین نگرشی، جامعه‌شناسان برای مسئله اجتماعی دو بعد را در نظر می‌گیرند. وجه نخست آن شامل بعد عینی می‌شود؛ عوامل و شرایط اجتماعی موجود که افراد نسبت به آن‌ها آگاهی و درک پیدا می‌کنند. وجه دوم نیز بعد ذهنی است که به شرایط اجتماعی و عواملی اشاره دارد که از نظر اکثر یا بخشی از افراد جامعه آسیب‌زا به‌نظر می‌رسند و نیاز به تغییراتی دارند (موونی و همکاران، ۲۰۱۱)؛ بنابراین دو رهیافت یا رویکرد عمده در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی قابل‌طرح است که در این تحقیق، از رویکرد برساخت‌گرایی برای شناسایی نظام مسائل و تشخیص اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی از دیدگاه نخبگان پرداخته شده است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر به‌لحاظ ماهیت تحقیق کیفی، از نظر هدف کاربردی، از لحاظ راهبرد استقرایی، و از منظر تحلیل داده‌ها اکتشافی است. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد دارای دانش علمی (استادان دانشگاه، اعضای هیئت‌علمی متخصص و صاحب‌نظر) و افراد دارای دانش تجربی (کارشناسان سازمان‌ها و مدیران اجرایی^۱) در حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان افراد صاحب صلاحیت و کارشناسان خبره و مدیران اجتماعی در مرکز استان است. به شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان انتخاب شدند. واحد تحلیل این پژوهش، آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در شهر ارومیه بوده است. واحد مشاهده در این پژوهش فرد صاحب‌نظر یا صاحب‌تجربه در حوزه آسیب‌های اجتماعی بوده که برای گردآوری داده‌ها به آن‌ها مراجعه شده است.

برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق با مطلعان کلیدی و کارشناسان خبره در مرکز استان و برگزاری جلسات گروه متمرکز و بحث گروهی یا بارش فکری استفاده شد. برای این منظور، ابتدا پروتکل مصاحبه طراحی شد. نهایتاً با برگزاری جلسات مصاحبه و پاسخ‌های مطلعان کلیدی و افراد خبره و صاحب‌نظر در حوزه مسائل و آسیب‌های اجتماعی به گردآوری داده‌ها پرداخته شد. پس از برگزاری جلسات اولیه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته براساس پروتکل مصاحبه با ۲۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری صورت گرفت. کار گردآوری داده‌ها ادامه یافت و در گام اول ۳۹ آسیب یا مسئله اولیه شناسایی شد. در ادامه، مسائل و آسیب‌های شناسایی‌شده در جلسات گروه متمرکز مورد بحث قرار گرفت. در جلسه دلفی با حضور خبرگان و مطلعان کلیدی، ۱۹ مسئله اساسی

۱. مدیران کل اجتماعی استانداری در چند دوره اخیر، فرمانداران دو دوره اخیر، معاونان اجتماعی و پیشگیری و مددکاران اجتماعی بهزیستی، دادگستری، پلیس، مدیران دفتر تسهیلگری اجتماعی و کارشناسان اجتماعی از جمله افراد نمونه بودند.

شناسایی و انتخاب شدند. سپس در قالب پرسشنامه ساختاری در اختیار اعضای دلفی قرار گرفت و با تکنیک تصمیم‌گیری گروهی به لحاظ نفوذ و وابستگی تکمیل شد. تکنیک تصمیم‌گیری گروهی به این معنی است که در روند مقایسات، نظر چند نفر از نخبگان و متخصصان و مطلعان کلیدی موضوع اخذ شد و در روش فوق، بیشترین فراوانی یا مد در نظرات نخبگان استفاده شد. در نهایت برای شناسایی اولویت مسائل و آسیب‌های اجتماعی در ادامه در چارچوب ماتریس اثر متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک تحلیل شد. در زمینه اعتباریابی در پژوهش‌های کیفی، در مرحله کیفی پژوهش برای دستیابی به اعتماد مورد نیاز برای تأیید علمی پژوهش، از فن‌های رایج اعتباریابی در روش، نظریه از سه ملاک قابل‌بودن^۱، تأییدپذیری^۲ و قابلیت اطمینان^۳ استفاده شد. در مورد ملاک قابل‌بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های نشست در دید حضار (تخته‌آیت‌بورد) قرار گرفت و توضیحات کافی توسط مدیر نشست متمرکز ارائه شد تا موافقت و مخالفت آن‌ها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش مشخص شود. در نهایت در برگه‌هایی که در اختیار اعضای گروه قرار داده شده بود، اعمال می‌شد. سپس به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها، تلاش شد تا فرایندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح در جلسه دلفی تشریح شود.

۴. یافته‌های تجربی

در این بخش از پژوهش، اهم مسائل و آسیب‌های اجتماعی با در نظر گرفتن اهمیت و مسئله‌مندی موضوع براساس فرایند ذکر شده در بخش روش‌شناسی، شناسایی و اولویت‌بندی شدند.

۴-۱. ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)

پس از شناسایی مسائل، مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی با رویکرد سیاست‌گذاری اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی، این عوامل در ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)^۴ وارد شدند. با توجه به ویژگی علیت ترکیبی و عطفی و هم‌افزایی و تعاملی بودن مسائل اجتماعی، برای تحلیل تعاملات و وابستگی و استقلال مسائل از نظرات نخبگان استفاده شد. برای این منظور، ابتدا پرسشنامه‌های طراحی شد که ساختار کلی آن مانند جدول ۱ است. در این جدول، ۱۹ مسئله و آسیب اجتماعی انتخاب شده با نظرات نخبگان در سطر و ستون اول جدول قرار گرفت و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که نوع ارتباطات دوه‌دویی عوامل را مشخص کنند. مدلسازی ساختاری-تفسیری پیشنهاد می‌کند که از نظرات خبرگان براساس تکنیک‌های مختلف مدیریتی از جمله طوفان فکری^۵ و گروه اسمی^۶ در توسعه روابط محتوایی میان متغیرها استفاده شود؛ بنابراین، ماتریس خودتعاملی با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل و توسط ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان تکمیل شد. در نهایت ۱۶ مسئله در سطح‌بندی نهایی احصا و سطح‌بندی شدند. اطلاعات حاصل براساس روش مدلسازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی شدند و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل شد. علائم و حالت‌های مورد استفاده در این رابطه مفهومی عبارت‌اند از:

نماد V یعنی i منجر به j می‌شود.

1. Acceptability
2. Confirmability
3. Dependability
4. Structural Self – Interaction Matrix
5. Brain storming
6. Nominal Group

نماد A یعنی z منجر به i می‌شود.
 نماد X یعنی ارتباط دوطرفه از i به z و برعکس
 نماد O یعنی هیچ ارتباطی بین i و z وجود ندارد.

جدول ۱. ماتریس خودتعاملی ساختاری مسائل و آسیب‌های اجتماعی

بدکار کردی نهادی	تکدی گری	خشونت و نزاع	قاچاق	ناامنی اجتماعی	ضعف رفاه اجتماعی	مهاجرت	فساد اداری	فقر فرهنگی	وندالیسم	سرعت مدرنیته	بیکاری و فقر اقتصادی	آسیب‌های فضای	طلاق	خودکشی	مسائل اخلاقی	کودکان کار	اعتیاد به مواد مخدر	حاشیه‌نشینی	
A	V	V	X	A	X	X	O	X	X	O	X	O	O	V	V	V	-	حاشیه‌نشینی	
X	V	V	A	X	X	X	O	X	O	O	X	O	X	V	X	X	-	اعتیاد به مواد مخدر	
A	X	X	O	O	X	X	O	X	O	O	A	O	A	O	X	-		کودکان کار	
A	A	V	O	O	V	X	O	X	O	X	V	X	X	V	-			مسائل اخلاقی	
A	O	A	O	O	A	A	O	O	O	A	V	V	A	-				خودکشی	
A	O	V	O	O	V	O	O	V	O	A	A	X	-					طلاق	
A	O	O	O	O	O	O	O	X	O	X	O	-						فضای مجازی	
A	V	V	V	O	V	X	A	X	O	O	-							بیکاری و فقر اقتصادی	
V	O	O	O	O	O	A	O	X	X	-								سرعت مدرنیته	
X	O	O	O	O	V	V	O	X	-									وندالیسم	
X	V	V	O	O	X	X	O	-										فقر فرهنگی	
X	O	O	V	O	V	O	-											فساد اداری	
A	V	V	X	X	V	-												مهاجرت	
V	V	O	V	O	-													ضعف رفاه اجتماعی	
V	O	O	X	-														ناامنی اجتماعی	
A	O	O	-															قاچاق	
A	O	-																خشونت و نزاع	
A	-																	تکدی گری	
-																		بدکار کردی نهادی	

۲-۴. ماتریس دستیابی اولیه

ماتریس دستیابی اولیه^۱ از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی (صفر-یک) حاصل شده است. برای استخراج ماتریس دستیابی، باید در هر سطر عدد یک جایگزین علامت‌های V و X و عدد صفر جایگزین علامت‌های A و O در ماتریس دستیابی اولیه شود. حاصل تبدیل تمام سطرها تشکیل ماتریس دستیابی اولیه است. سپس روابط ثانویه بین بعد و شاخص‌ها کنترل شده است. رابطه ثانویه به‌گونه‌ای است که اگر بعد J به بعد I و سپس به K منجر شود، بعد J به بعد K منجر خواهد شد. با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک، برحسب قواعد زیر می‌توان به ماتریس دست پیدا کرد. این قواعد به‌صورت زیر است:

- ۱- اگر خانه $[j,i]$ در ماتریس SSIM نماد V گرفته است، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه $[i,j]$ عدد صفر می‌گیرد.
- ۲- اگر خانه $[j,i]$ در ماتریس SSIM نماد A گرفته است، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه $[i,j]$ عدد ۱ می‌گیرد.
- ۳- اگر خانه $[j,i]$ در ماتریس SSIM نماد X گرفته است، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه $[i,j]$ عدد ۱ می‌گیرد.
- ۴- اگر خانه $[j,i]$ در ماتریس O نماد SSIM گرفته است، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه $[i,j]$ عدد صفر می‌گیرد. با توجه به قوانین تکنیک ISM ماتریس دستیابی اولیه مطابق جدول ۲ تبدیل شده است.

جدول ۲. ماتریس دستیابی اولیه به مسائل و آسیب‌های اجتماعی

بدکارکردی نهادهی	تکدی گری	خشونت و نزاع	قاچاق	نامنی اجتماعی	ضعف رفاه اجتماعی	مهاجرت	فساد اداری	فقر فرهنگی	وندالیسم	سرعت مدرنیته	بیکاری و فقر اقتصادی	اسبب‌های فضای مجازی	طلاق	خودکشی	مسائل اخلاقی	کودکان کار	اعتیاد به مواد مخدر	حاشیه‌نشینی
۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	حاشیه‌نشینی
۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	اعتیاد به مواد مخدر
۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	کودکان کار
۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	مسائل اخلاقی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	خودکشی
۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	طلاق
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	فضای مجازی
۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	بیکاری و فقر
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	سرعت مدرنیته
۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	وندالیسم
۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	فقر فرهنگی

بدکارکردی نهادی	تکدی گری	خشونت و نزاع	قاچاق	ناامنی اجتماعی	ضعف رفاه اجتماعی	مهاجرت	فساد اداری	فقر فرهنگی	وندالیسم	سرعت مدرنیته	بیکاری و فقر اقتصادی	آسیب‌های فضای مجازی	طلاق	خودکشی	مسائل اخلاقی	کودکان کار	اعتیاد به مواد مخدر	حاشیه‌نشینی	
۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	فساد اداری
۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	مهاجرت
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	ضعف رفاه
۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	ناامنی اجتماعی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	قاچاق
۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	خشونت و نزاع
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	تکدی گری
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	بدکارکردی نهادی

منبع: محاسبات پژوهش

۳-۴. ماتریس دستیابی نهایی

پس از شناسایی مسائل، مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی با رویکرد سیاست‌گذاری اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی به‌عنوان مبنای توسعه اجتماعی و تشکیل ماتریس دستیابی اولیه سامان‌دهی با دخالت دادن انتقال‌پذیری در روابط مسائل، ماتریس دستیابی نهایی^۱ تشکیل می‌شود تا ماتریس دستیابی اولیه سازگار شود. بدین صورت که اگر $[i, j]$ با هم در ارتباط باشند و نیز $[j, k]$ با هم رابطه داشته باشند، آنگاه $[i, k]$ با هم در ارتباط هستند (آذر و بیات، ۱۳۸۷). انتقال‌پذیری روابط مفهومی بین متغیرها، یک فرض مبنایی در مدلسازی ساختاری تفسیری است و بیانگر این است که در صورتی که متغیر A بر متغیر B تأثیر داشته باشد و متغیر B بر متغیر C تأثیر بگذارد، A بر C تأثیرگذار است. در این مرحله، کلیه روابط ثانویه بین متغیرها بررسی شده و ماتریس دستیابی نهایی مطابق جدول ۳ به‌دست آمده است. در این ماتریس، قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر متغیر نشان داده شده است. قدرت نفوذ هر متغیر عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی (شامل خودش) که می‌تواند در ایجاد آن‌ها نقش داشته باشد. میزان وابستگی عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی که موجب ایجاد متغیر مذکور می‌شود.

1. Final reachability matrix

جدول ۳. ماتریس دستیابی نهایی به مسائل و آسیب‌های اجتماعی

بدکار کردی نهادی	تکدی گری	خشونت و نزاع	قاچاق	نامنی اجتماعی	ضعف رفاه اجتماعی	مهاجرت	فساد اداری	فقر فرهنگی	وندالیسم	سرعت مدرنیته	بیکاری و فقر	آسیب‌های فضای	طلاق	خودکشی	مسائل اخلاقی	کودکان کار	اعتیاد به مواد مخدر	حاشیه‌نشینی		
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۱	۲	۰	۲	۰	۱	۲	۲	۲	۲	۱	حاشیه‌نشینی	
۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۰	۱	۰	۰	۲	۰	۲	۲	۲	۱	۱	۲	اعتیاد به مواد مخدر	
۲	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۰	۰	۲	۲	-	۱	۲	کودکان خیابانی	
۲	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۰	۲	۲	-	۲	۲	۲	مفاسد اخلاقی	
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۲	۲	-	۲	۰	۲	۲	خودکشی	
۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۱	-	۲	۲	۰	۲	۱	طلاق	
۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۲	۰	-	۱	۲	۰	۰	۰	۰	فضای مجازی	
۲	۲	۲	۱	۰	۲	۲	۲	۲	۰	۰	-	۰	۲	۲	۰	۲	۲	۲	فقر و بیکاری	
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲	-	۰	۲	۰	۲	۲	۰	۰	۰	سرعت مدرنیته	
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۲	-	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	وندالیسم	
۲	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	-	۲	۱	۲	۱	۲	۰	۱	۲	۱	۱	فقر فرهنگی	
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	-	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	فساد اداری	
۲	۲	۱	۲	۲	۲	-	۰	۱	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۲	مهاجرت	
۲	۲	۰	۲	۰	-	۲	۲	۰	۲	۰	۲	۰	۲	۲	۲	۰	۲	۳	کم‌بودن رفاه	
۲	۰	۰	۲	-	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۲	نامنی اجتماعی	
۲	۰	۰	-	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۲	قاچاق	
۲	۰	-	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۲	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۳	خشونت و نزاع	
۲	-	۰	۰	۰	۲	۳	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۲	تکدی گری	
-	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	بدکار کردی نهادی

منبع: محاسبات تحقیق

۴-۴. تحلیل روابط و تأثیر متغیرها با تکنیک میک‌مک

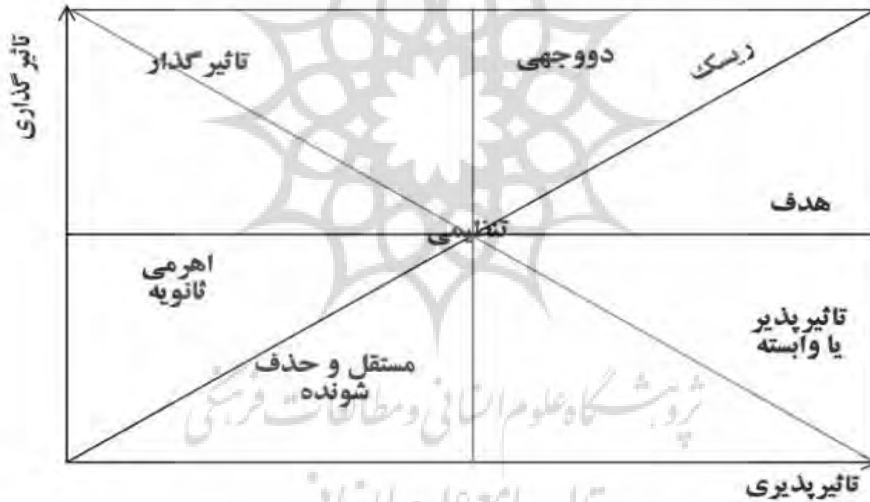
در این مرحله با استفاده از روش میک‌مک، نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شده است. پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی عوامل، با توجه به رهیافت‌ها و رویکردهای نظری سیاست اجتماعی می‌توان تمامی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیرها طبقه‌بندی کرد.

۴-۵. تحلیل رابطه و تأثیرات متقابل متغیرها

در این بخش، متغیرها و شاخص‌های استخراج‌شده براساس روش دلفی با بهره‌گیری از روش تحلیل تأثیرات متقابل در محیط نرم‌افزار میک‌مک بررسی و تحلیل شده‌اند. بدین منظور از ماتریسی به ابعاد 19×19 استفاده شد تا وضعیت هر یک از آن‌ها در سیستم مشخص شود. از پاسخ‌دهندگان درخواست شد مشخص کنند آیا رابطه‌ای از نوع تأثیر مستقیم بین متغیر ۲ و متغیر ۱ وجود دارد. اگر پاسخ منفی باشد، عدد صفر، برای تأثیر ضعیف عدد ۱، برای تأثیر متوسط عدد ۲ و در نهایت برای تأثیر زیاد عدد ۳ را در سلول قرار دهند. در ادامه به نتایج و خروجی‌های تحلیل یادشده پرداخته می‌شود.

۴-۶. ماتریس تأثیرات مستقیم

مطالعه ماتریس مستقیم، متغیرهایی که بیشترین اثرگذاری را دارند آشکار می‌سازد. براساس شکل ۲ خروجی نرم‌افزار میک‌مک در قالب پنج دسته از متغیرها ارائه می‌شود. این متغیرها به دلیل ایفای نقش در پویایی سیستم مورد نظر با هم تفاوت‌هایی دارند که در ادامه به تفکیک درباره آن‌ها بحث می‌شود (گودت، ۲۰۰۶).



شکل ۲. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

۴-۷. متغیرهای تأثیرگذار

این متغیرها بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیرند؛ بنابراین، سیستم بیشتر به این متغیرها بستگی دارد. متغیرهای تأثیرگذار بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها هستند؛ زیرا تغییرات سیستم به آن‌ها وابسته است و میزان کنترل بر این متغیرها بسیار مهم است. در میان این متغیرها عموماً متغیرهای محیطی دیده می‌شود که به شدت بر سیستم تأثیر می‌گذارند. این متغیرها عموماً توسط سیستم قابل کنترل نیستند؛ زیرا خارج از سیستم قرار دارند و بیشتر به عنوان عواملی از ثبات عمل می‌کنند.

متغیرهای دووجهی: این متغیرها هم‌زمان به صورت تأثیرپذیر و بسیار تأثیرگذار عمل می‌کنند. طبیعت این متغیرها با عدم پایداری آمیخته است؛ زیرا هر عمل و تغییری روی آن‌ها واکنش و تغییری بر دیگر متغیرها را به دنبال دارد. این گونه نتایج و واکنش‌ها یک اثر بومرنگی به همراه دارد که در نهایت سبب تشدید یا میرایی اثر و علامت اولیه می‌شود. این متغیرها به دو دسته تقسیم می‌شود:

متغیرهای ریسک: این متغیرها ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم را دارند؛ زیرا به علت ماهیت ناپایدارشان، پتانسیل تبدیل شدن به نقطه انفصال سیستم را دارند.

متغیرهای هدف: این متغیرها بیش از آنکه تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیرند و آن‌ها را می‌توان با قطعیت قابل‌قبولی به عنوان نتایج کامل سیستم شناسایی کرد. با دستکاری این متغیرها می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت مورد نظر دست یافت؛ بنابراین این متغیرها بیش از آنکه نتایج از پیش تعیین شده را به نمایش بگذارند، نمایانگر اهداف ممکن در سیستم هستند.

متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته: متغیرهای وابسته تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری بسیار زیادی دارند. به این ترتیب نسبت به تکامل متغیرهای تأثیرگذار و دووجهی بسیار حساس هستند. به عبارت دیگر این متغیرها خروجی سیستم هستند.

متغیرهای مستقل: این متغیرها از سایر متغیرهای سیستم تأثیر نمی‌پذیرند و بر آن‌ها تأثیر هم ندارند. این متغیرها ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند؛ زیرا نه موجب توقف یک متغیر اصلی و نه سبب تکامل و پیشرفت یک متغیر در سیستم می‌شوند. این متغیرها خود شامل دو دسته می‌شود:

متغیرهای گسسته: این متغیرها ارتباطی به پویایی و تغییرات کنونی سیستم ندارند و می‌توان آن‌ها را از سیستم خارج کرد.

متغیرهای اهرمی ثانویه: این متغیرها با وجود اینکه کاملاً مستقل هستند، بیش از آنکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذارند و می‌توانند به عنوان نقاطی برای سنجش و به عنوان معیار به کار روند.

متغیرهای تنظیمی: این متغیرها می‌توانند به صورت احکام ثانویه اهداف ضعیف یا متغیرهای ثانویه عمل کنند (زالی، ۱۳۹۲؛ سلمان و همکاران، ۱۳۹۵).

تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقاطع نشان‌دهنده آن است که با توجه به ابعاد ماتریس 19×19 مجموع 361 رابطه در ماتریس وجود دارد. در این ماتریس 36 رابطه شماره صفر است و بدین معنا است که عوامل و متغیرها بر یکدیگر تأثیر نداشته یا از یکدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند. از این رو، درجه پرشدگی 89 درصد است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب‌شده تأثیر زیادی بر یکدیگر داشته و در واقع سیستم از وضعیت ناپایداری برخوردار است. از طرف دیگر ماتریس براساس شاخص آماری با 3 بار چرخش داده‌ها، از مطلوبیت و بهینه‌شدگی 100 درصد برخوردار است که نشان از روایی زیاد پرسشنامه و پاسخ‌ها دارد.

جدول ۴. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس تأثیر متقابل

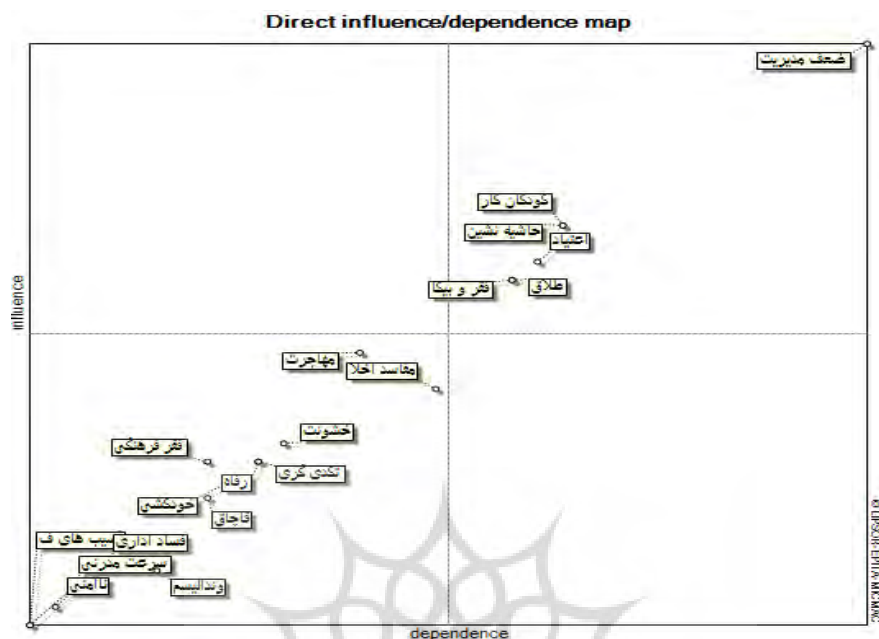
ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفر	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	جمع	درجه پرشدگی
۱۹	۳	۳۶	۱۶۴	۱۱۳	۸۴	۳۶۱	درجه ۸۹ درصد

نتایج تحلیلی جدول ۵ نشان می‌دهد متغیرهای بدکارکردی نهادی، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، کودکان کار و خیابانی، فقر و نابرابری و طلاق بیشترین تأثیرگذاری و بیشترین تأثیرپذیری مستقیم را بر سیستم اجتماعی دارند. از سویی در بین شاخص‌های مورد سنجش آسیب‌های فضای مجازی، سرعت مدرنیته، ناامنی اجتماعی دارای کمترین وزن به لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم در سیستم و شکل‌گیری نظام مسائل و آسیب‌های اجتماعی شهر ارومیه است.

جدول ۵. تأثیرات مستقیم مسائل و آسیب‌های اجتماعی بر همدیگر

تأثیر مستقیم		مسائل و آسیب‌های اجتماعی
تأثیر پذیری	تأثیر گذاری	
۳۲	۳۳	حاشیه‌نشینی
۳۱	۳۱	اعتیاد
۲۲	۳۳	کودکان کار و خیابانی
۲۷	۲۴	مفاسد اخلاقی
۱۹	۱۹	خودکشی
۲۰	۲۰	ضعف تأمین و رفاه اجتماعی
۱۱	۱۱	آسیب‌های فضای مجازی
۳۰	۳۰	فقر و بیکاری
۱۳	۱۳	سرعت مدرنیته
۱۶	۱۴	وندالیسم
۱۸	۲۰	ناامنی اجتماعی
۱۱	۱۱	فساد اداری
۲۴	۲۶	مهاجرت
۳۰	۳۰	طلاق
۱۲	۱۲	فقر فرهنگی
۱۸	۱۸	قاچاق
۲۱	۲۱	خشونت و نزاع
۲۰	۲۰	تکدی‌گری
۴۴	۴۳	بدکارکردی نهادی
۴۲۹	۴۲۹	جمع

براساس مواردی که پیش‌تر اشاره شد، می‌توان وضعیت هریک از شاخص‌ها را با توجه به موقعیت آن‌ها در شکل ۳ تشخیص داد.



شکل ۳. پراکندگی شاخص‌ها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری-تأثیرپذیری ماتریس تأثیرات مستقیم

۸-۴. ماتریس تأثیرات غیر مستقیم

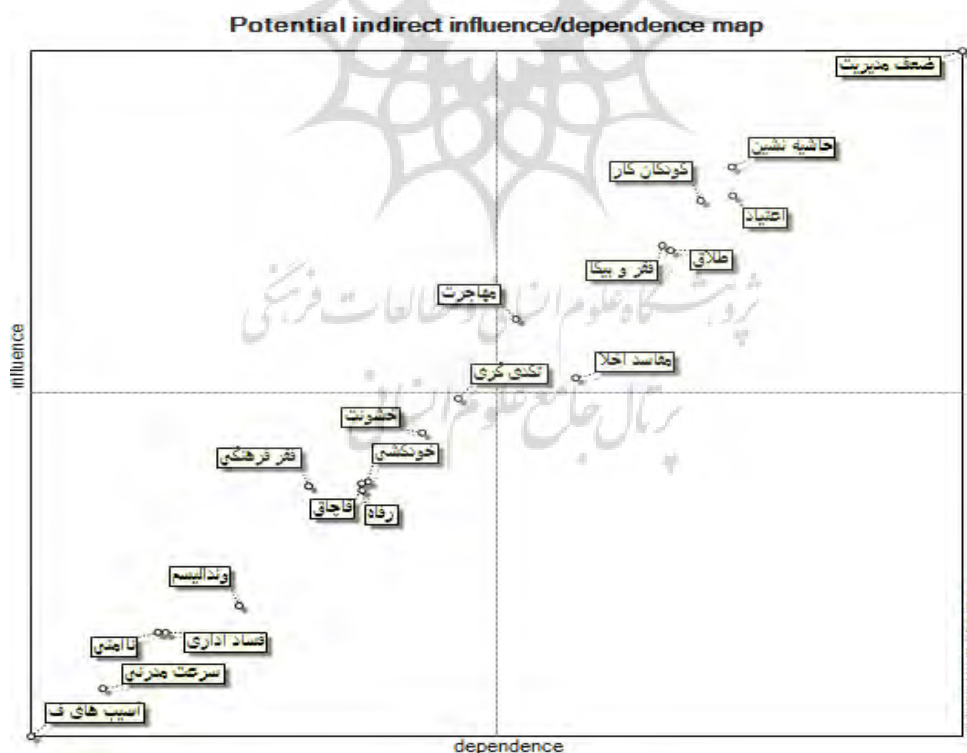
در ماتریس تأثیرات غیرمستقیم، هریک از شاخص‌ها توسط نرم‌افزار میک‌مک به توان‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و... رسانده می‌شود و براین اساس تأثیرات غیرمستقیم شاخص‌ها سنجیده می‌شود.

جدول ۶. ماتریس تأثیرات متقابل غیر مستقیم

تأثیر غیر مستقیم		مسائل و آسیب‌های اجتماعی
تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	
۲۰.۶۶۳	۲۱.۵۳۴	حاشیه‌نشینی
۲۰.۶۸۳	۲۰.۷۵۲	اعتیاد
۲۰.۰۱۶	۲۰.۶۱۶	کودکان کار و خیابانی
۱۷.۴۱۴	۱۵.۷۷۵	مفاسد اخلاقی
۱۳.۰۹۳	۱۲.۹۹۴	خودکشی
۱۲.۹۷۳	۱۲.۷۰۹	ضعف تأمین و رفاه اجتماعی
۶۰۸۵	۵۹۹۰	آسیب‌های فضای مجازی
۱۹.۲۱۵	۱۹.۳۸۹	فقر و بیکاری
۷۵۷۴	۷۲۹۸	سرعت مدرنیته
۱۰.۴۱۲	۹۵۶۰	وندالیسم
۱۱.۸۵۹	۱۲.۸۲۱	فقر فرهنگی
۸۸۸۲	۸۸۲۲	فساد اداری
۱۶.۷۱۲	۱۷.۳۸۰	مهاجرت

تأثیر غیرمستقیم		مسائل و آسیب‌های اجتماعی
تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	
۱۹۰۳۸۸	۱۹۰۲۵۸	طلاق
۸۷۲۳	۸۸۳۱	ناامنی اجتماعی
۱۲۰۹۶۳	۱۲۰۸۹۶	قاچاق
۱۴۰۲۲۳	۱۴۰۲۸۱	خشونت و نزاع
۱۴۰۹۷۰	۱۵۰۲۱۴	تکدی‌گری
۲۵۰۴۶۷	۲۴۰۷۰۳	بدکارکردی نهادی
۴۲۹	۴۲۹	جمع

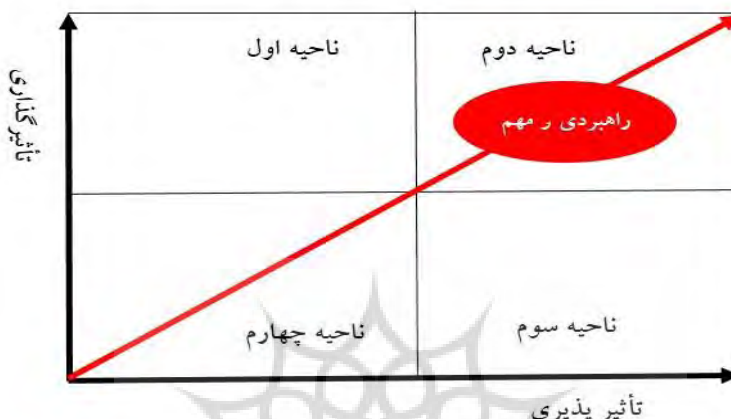
ماتریس تأثیرات متقابل غیرمستقیم نیز حاکی از اختلاف قابل توجه بین متغیرهای بدکارکردی نهادی (ضعف مدیریتی)، حاشیه‌نشینی، اعتیاد و کودکان کار و خیابانی در میزان تأثیرگذاری و نفوذ زیاد نسبت به سایر مسائل است. نتایج نشان از تأثیرگذاری زیاد این متغیرها بر نظام اجتماعی دارد. به بیان دیگر، تأثیر و انعکاس بیشتری در مسائل اجتماعی دیگر خواهند داشت و آن‌ها را تبدیل به تأثیرگذارترین متغیرها در این جریان خواهند کرد. در این بین آسیب‌های فضای مجازی، سرعت مدرنیته، فساد اداری و وندالیسم با وابستگی کمتر به عنوان متغیرهای مستقل عمل می‌کنند.



شکل ۴. پراکندگی شاخص‌ها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری-تأثیرپذیری ماتریس تأثیرات غیرمستقیم

۹-۴. شناسایی مسائل اساسی و راهبردی براساس تحلیل میک

مسائل اساسی و راهبردی، شاخص‌هایی هستند که هم قابل دستکاری و کنترل باشند و هم بر پویایی و تغییر سیستم تأثیرگذار باشند. با این توصیف، شاخص‌هایی را که تأثیر بسیار زیادی دارند ولی قابل کنترل نیستند، نمی‌توان شاخص راهبردی محسوب کرد.



شکل ۵. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شناسایی مسائل راهبردی و مهم

اگر نمودار وضعیت شاخص‌ها را به صورت یک شبکه مختصات فرض کنیم، مسائل و شاخص‌های قرارگرفته در ناحیه اول شبکه مختصات چنانکه در شکل ۵ مشخص است چنین وضعیتی دارند و برنامه‌ریزان به ندرت قادر به تغییر این شاخص‌ها هستند. مسائل و شاخص‌های قرارگرفته در ناحیه چهارم شبکه مختصات تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار کمی در سیستم دارند و نمی‌توانند متغیر راهبردی محسوب شوند. شاخص‌های ناحیه سوم نیز به دلیل وابستگی شدید به سایر شاخص‌ها خاصیت راهبردی ندارند و بیشتر نتیجه سایر شاخص‌ها به حساب می‌آیند، اما شاخص‌های ناحیه دوم شبکه مختصات، شاخص‌های راهبردی هستند؛ چرا که هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم در سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. درواقع هرچه از انتهای ناحیه چهارم به سمت انتهای ناحیه دوم خط قطری شبکه مختصات نزدیک‌تر می‌شویم، بر میزان اهمیت و راهبردی بودن شاخص‌ها افزوده می‌شود.

ناحیه اول (گوشه بالای سمت چپ) شاخص‌های تأثیرگذار: شاخص‌های این ناحیه دارای بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری هستند و توسط سیستم قابل کنترل نیستند. نقشه پراکندگی شاخص‌ها نشان می‌دهد هیچ شاخصی در این ناحیه در سیستم شناسایی نشده است؛ زیرا خارج از سیستم قرار دارند و به صورت شاخص باثبات عمل می‌کنند. این گروه متغیرهای مستقل^۱ (کلیدی) را دربرمی‌گیرد. این متغیرها دارای قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کم هستند.

ناحیه دوم (گوشه بالای سمت راست) شاخص‌های دووجهی: این گروه از متغیرها، متغیرهای پیوندی^۲ هستند که از قدرت نفوذ و وابستگی زیادی برخوردارند. درواقع هرگونه عملی روی این شاخص متغیرها موجب تغییر سایر شاخص‌ها می‌شود. شاخص‌های بدکارکردی نهادی (ضعف مدیریتی)، کودکان کار و خیابانی، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، اعتیاد، طلاق، مهاجرت، مفاسد اخلاقی، تکدی‌گری و فقر و بیکاری به‌عنوان شاخص‌های دووجهی در سیستم قابل شناسایی هستند. این بدان معنا

1. Autonomous variables

2. Linkage variables

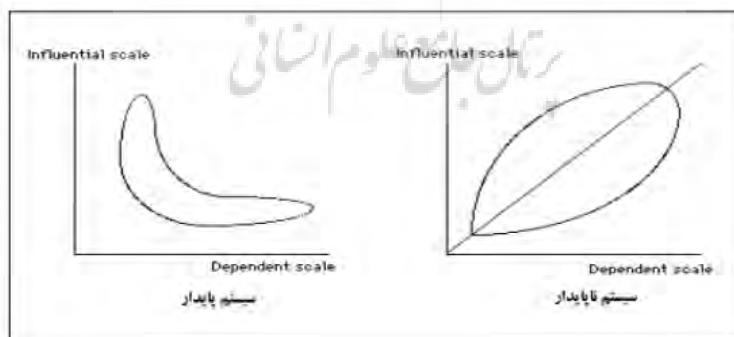
است که هم‌زمان به صورت شاخص‌های تأثیرپذیر و بسیار تأثیرگذار عمل می‌کنند و طبیعت آن‌ها با ناپایداری آمیخته است؛ زیرا هر عمل و تغییری روی آن‌ها واکنش و تغییر دیگر شاخص‌ها را به دنبال خواهد داشت.

ناحیه سوم (گوشه پایین سمت راست) شاخص‌های تأثیرپذیر یا وابسته: این گروه شامل متغیرهای وابسته^۱ هستند که از قدرت نفوذ ضعیف اما وابستگی زیادی برخوردارند. شاخص در این ناحیه با تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری بسیار زیاد، تنها شاخص وابسته سیستم است که نسبت به تکامل متغیرهای تأثیرگذار و دوجویی بسیار حساس است.

ناحیه چهارم (گوشه پایین سمت چپ) شاخص‌های مستقل: این گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) است که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و دارای ارتباطات اندک هستند. مسائلی از قبیل مرزی‌بودن، سرعت مدرنیته، فساد اداری، آسیب‌های فضای مجازی و وندالیسم تحت عنوان شاخص‌های مستقل سیستم شناسایی می‌شوند. این بدان معنا است که این شاخص‌ها از سایر شاخص‌های سیستم تأثیر چندانی نمی‌پذیرند و بر آن‌ها نیز تأثیر کمی دارند یا تأثیری ندارند. آن‌ها جایگاه بسیار پایینی در نظام مسائل استان دارند؛ زیرا نه سبب توقف یک شاخص اصلی و نه موجب تکامل و پیشرفت یک متغیر در نظام مسائل استان می‌شود.

شاخص‌های اهرمی ثانویه: شاخص‌های خشونت، خودکشی، قاچاق و ضعف سیستم رفاهی جزو شاخص‌های یا مسائل اهرمی ثانویه تلقی می‌شوند؛ یعنی با اینکه تا حدودی مستقل هستند، پتانسیل ورود به ناحیه یک را دارند. به عبارت دیگر بیش از اینکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذارند و می‌توانند به‌عنوان مرجعی برای سنجش و به‌عنوان معیاری برای تأثیرگذاری بر نظام مسائل اجتماعی استان تلقی شوند.

پایداری و ناپایداری سیستم: نحوه پراکنش شاخص‌ها در محور تأثیرگذاری تأثیرپذیری، بیانگر میزان پایداری و ناپایداری سیستم است. چنانچه توزیع آن‌ها به صورت شکل L باشد سیستم پایدار است و این حالت نشانگر ثبات در شاخص‌های تأثیرگذاری و تداوم تأثیر آن‌ها بر سایر شاخص‌ها است. چنانچه شاخص‌ها از سمت محور مختصات به سمت انتهای نمودار و در حوالی آن پخش شده باشد، سیستم ناپایدار است و کمبود متغیرهای تأثیرگذار سیستم را تهدید می‌کند. در سیستم‌های پایدار، برخی عوامل دارای تأثیرگذاری زیاد و برخی دارای تأثیرپذیری زیاد هستند.



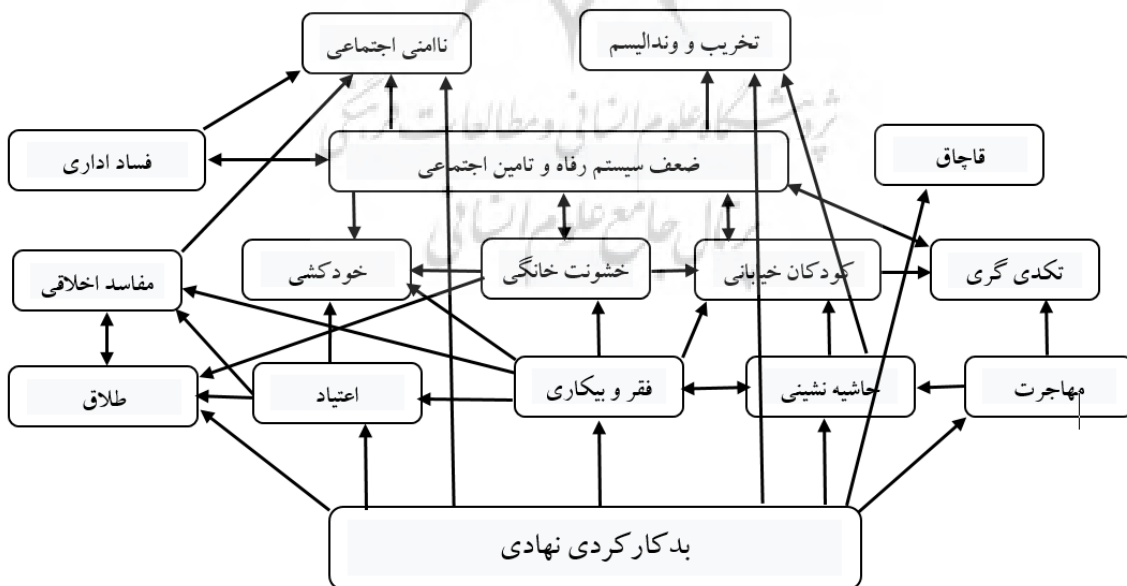
شکل ۶. نمودار پایداری یا ناپایداری سیستم

در این سیستم عوامل کلیدی، مستقیم و نتیجه سه دسته قابل مشاهده هستند، اما در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها عوامل حول محور قطری پراکنده‌اند و در بیشتر موارد، حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهد. این حالت، ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را دشوار می‌سازد؛ بنابراین آنچه از نحوه پراکنش متغیرها و شاخص‌ها در محورهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم پیدا است، سیستم اجتماعی استان به‌لحاظ آسیب‌های اجتماعی در وضعیت ناپایدار قرار دارد (Godet et al., 2011).

۱۰-۴. سطح‌بندی مسائل بر حسب تعاملات و برهم‌کنشی و تصمیم برای مداخلات اجتماعی

بعد از اجرای گام به‌گام پژوهش و اجرای تصمیم‌گیری گروهی با تکنیک دلفی و نرم‌افزار میک‌مک، اولویت آسیب‌های اجتماعی براساس اجماع صاحب‌نظران و متخصصان به این شکل مشخص شد.

ماتریس دستیابی نهایی باید به سطوح مختلف دسته‌بندی شود. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی، به ازای هرکدام از آن‌ها سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می‌شود. در اولین جدول، شاخص یا متغیرهایی که اشتراک مجموعه خروجی و ورودی آن یکی است، در فرایند سلسله‌مراتب به‌عنوان مجموعه مشترک محسوب می‌شوند؛ به‌طوری‌که این متغیرها در ایجاد هیچ متغیر دیگری مؤثر نیستند. پس از شناسایی بالاترین سطح، آن متغیرها از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شوند. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها ادامه می‌یابد. همان‌طور که در شکل ۷ و جدول ۷ ملاحظه می‌شود، مسائل سطوح اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم به‌لحاظ فوریت مداخلات مشخص شده است. براساس این سطح‌بندی، سطوح اول تا سوم برنامه‌ریزی آنی و کوتاه‌مدت می‌طلبد. هرچه به سطوح پایین‌تر می‌رویم، توان تأثیرگذاری و فراگیری مسئله بیشتر می‌شود و نیازمند برنامه‌ریزی و صرف هزینه و بودجه بیشتر است تا بتوان ضمن رفع مسائل سطح پایین، از بروز مسائل سطوح بالا نیز به‌تدریج کاست.



شکل ۷. نتایج سطح‌بندی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی براساس اجماع صاحب‌نظران و متخصصان

جدول ۷. اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی براساس اجماع صاحب‌نظران و متخصصان

سطح‌بندی	رتبه	آسیب‌های اجتماعی
۱	۱	بدکارکردی نهادی
۲	۲	حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی
۲	۳	اعتیاد به مواد مخدر
۲	۴	مهاجرت
۲	۵	فقر و بیکاری
۲	۶	طلاق
۳	۷	کودکان کار و خیابانی
۳	۸	مفاسد اخلاقی
۳	۹	تکدی‌گری
۳	۱۰	خشونت خانوادگی
۳	۱۱	خودکشی
۴	۱۲	قاچاق
۴	۱۳	فساد اداری
۴	۱۴	ضعف و ناکارآمدی سیستم رفاه اجتماعی
۵	۱۵	تخریب و وندالیسم
۵	۱۶	ناامنی اجتماعی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی و تعیین سیاست‌های عمومی در راستای پیش‌بینی، پیشگیری و برخورد با مسائل و آسیب‌های اجتماعی مستلزم دستیابی به شناختی هدفمند و موقعیت‌مند از وضعیت اجتماعی است. هدف اصلی این مقاله، شناسایی و اولویت‌بندی نظام مسائل و آسیب‌های اجتماعی شهر ارومیه با مدل ساختاری تفسیری برای همسوزکردن حوزه‌ی اجرایی با حوزه‌ی دانشی و تلفیق دانش علمی و تجربه و ایجاد یک فضای مفهومی مشترک در میان مدیران اجرایی و جلب توجه آن‌ها به یافته‌های علمی حوزه‌ی اجتماعی برای نیل به توسعه‌ی اجتماعی بود.

در مطالعه‌ی حاضر سعی شد تأملی جامعه‌شناختی در باب تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی ارائه شود. به‌لحاظ نظری، دو رویکرد عمده‌ی واقعیت‌گرایی اجتماعی و برساخت‌گرایی در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی طرح شده است. براساس چنین نگرشی، جامعه‌شناسان برای مسئله‌ی اجتماعی دو بعد را در نظر می‌گیرند. وجه نخست آن شامل بعد عینی می‌شود که در واقع به عوامل و شرایط اجتماعی موجودی اشاره می‌کند که افراد نسبت به آن‌ها آگاهی و درک پیدا می‌کنند. وجه دوم نیز بعد ذهنی است که به شرایط اجتماعی و عواملی اشاره دارد که از نظر اکثر یا بخشی از افراد جامعه آسیب‌زا به نظر می‌رسند و نیاز به تغییراتی دارند.

یافته‌های تجربی پژوهش حاکی از آن است که نحوه‌ی پراکنش متغیرها و شاخص‌ها در محورهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم مسائل بر یکدیگر، سیستم اجتماعی استان را به‌لحاظ آسیب‌های اجتماعی در وضعیت ناپایدار نشان می‌دهد و مسائل کلان ساختاری از جمله بدکارکردی نهادی و حاشیه‌نشینی (رتبه‌ی چهارم کشوری با حجم زیادی از مناطق حاشیه‌نشین، سکونتگاه‌های غیررسمی و مناطق کم‌برخوردار) در ردیف اول و دوم اولویت آسیب‌ها و مسائل اجتماعی شهر ارومیه قرار دارد. آسیب‌های اعتیاد، کودکان کار و خیابانی، فقر و نابرابری و طلاق بیشترین تأثیرگذاری و بیشترین تأثیرپذیری را بر سیستم دارند و از مسائل اساسی،

راهبردی و کلیدی استان محسوب می‌شوند. هرچند گفتمان رایج در امواج سیاسی و اجتماعی در مقاطعی برخی از مسائل را برجسته‌تر می‌کند، مسائل ساختاری یا مسائل متأثر از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی همواره جزو اولویت‌های مسائل و آسیب‌های اجتماعی مرکز استان است؛ بنابراین، اگر راهبردی برای توسعه اجتماعی استان تنظیم شود، با توجه به بازگشت آسیب‌های اجتماعی به رویکرد ساختاری و نهادی مدیریت حوزه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در اولویت‌بودن بدکارکردی نهادی به‌عنوان یک ابرمسئله (با بیشترین تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم) در سطح استان، ضرورت دارد برای ارتقای کارآمدی نهادی ضمن اتخاذ رویکرد علمی و تخصصی نسبت به مسائل و آسیب‌های اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، برای تقسیم‌کار نامطلوب بین دستگاه‌های اجرایی و ناهماهنگی و موازی‌کاری بین دستگاه‌های اجرایی برای حل چنین مسائل ساختاری چاره‌اندیشی شود. بهترین پیشنهاد برای تحقق این هدف، اتخاذ رویکرد مشارکتی با استفاده از ظرفیت‌های نخبگان با رویکرد اجتماع‌محور است. رهیافت مذکور بر این اساس استوار است که یک نهاد به‌تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد و در جهت جلوگیری از وقوع آسیب‌های اجتماعی نقش انحصاری ایفا کند. به همین دلیل لازم است مجموعه‌های هماهنگ از نهادهای مختلف اعم از دولتی و غیردولتی با رویکرد دقیق علمی به‌کار گرفته شود تا امکان اجرای یک الگو و مدل خاص در زمینه رصد، پایش وضعیت اجتماعی و برنامه‌ریزی و کنترل آسیب‌های اجتماعی حاصل شود. رویکرد چندنهادی یا به تعبیر دیگر رویکرد مشارکتی در پی آن است تا با سهیم کردن همه نهادهای مرتبط، فرصت‌های آسیب‌زا را کاهش دهد، با علل و عوامل آسیب‌زا به‌طور ریشه‌ای مبارزه کند و از این رهگذر از حمایت تمام سازمان و نهادهای مربوط اعم از رسمی و غیررسمی برخوردار شود تا همگی در زنجیره پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ایفای نقش کنند.

مأخذ مقاله: مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی و رصد آسیب‌های اجتماعی و تعیین‌کننده‌های مؤثر بر آن در استان آذربایجان غربی»، به سفارش اداره کل بهزیستی استان در قالب طرح ارتباط با جامعه و صنعت در معاونت پژوهشی دانشگاه ارومیه، ۱۴۰۲؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- افشارکهن، جواد (۱۳۸۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، تهران: سایه هور و سلمان.
- افشارکهن، جواد و صادقی، رسول (۱۳۸۵)، رویکردی جامعه‌شناختی به مسئله جمعیت. *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱(۲)، ۱۹۵-۲۱۵.
- بهشتی، محمدباقر و زالی، نادر (۱۳۹۰)، شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی). *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۵(۱)، ۴۱-۶۳. <http://hsm.sp.modares.ac.ir/article-21-5418-fa.html>
- حسینی‌نثار، مجید (۱۳۹۴). مسئله اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی. *فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۶۷، ۴۰-۴۵.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳). *قواعد روش جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۱). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*. رحمت‌الله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶). *سرطان اجتماعی فساد*. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۱). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۲). *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زالی، نادر (۱۳۹۲). *آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زالی، نادر و منصور بی‌جندی، سارا (۱۳۹۴). تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه حمل‌ونقل پایدار در افق ۱۴۰۴ کلان‌شهر تهران (روش تحلیل ساختاری). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۹(۲)، ۱-۳۲.

- صادقی قسایبی، سهیلا و پروین، ستار (۱۳۹۰). جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت. *فصلنامه پژوهش حقوقی*، ۱۳ (۳۳)، ۲۲۰-۲۴۲.
- صدیق سروسناتی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
- ظفری، محبوبه (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی تحلیل مسائل اجتماعی در ایران و راهکارهای آن. *فصلنامه علوم زیست‌محیطی و دانش جغرافیا*، ۲ (۳)، ۷۷-۵۶.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۶). طرح مسئله اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها. *در مسائل اجتماعی ایران*. تهران: آگه.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها. *در کتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- مشونیس، جان (۱۳۹۵). *مسائل اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. جلد اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ملک‌زاده، ندا، بزاززاده، مهدی، و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلان‌شهر کرج). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۳ (۲)، ۳۵-۵۲. <https://doi.org/10.22067/gusd.v3i2.49479>
- لوژیوک، دانیلین (۱۳۹۴). *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*. ترجمه سعید معیدفر. تهران: امیرکبیر.
- یوسفی، علی و اکبری، حسین (۱۳۹۰). تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت‌های مسائل اجتماعی ایران. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۱)، ۱۹۵-۲۲۳.
- Abdollahi, M. (2006). Social issue planning in Iran: goals and necessities. in *Iran's social issues*. Tehran: Agah. (In Persian)
- Afshar Kohan, J. (2013). An introduction to the sociology of social issues. Tehran: Saye Hour and Salman. (In Persian)
- Afshar Kohan, J., & Sadeghi, R. (2016). A sociological approach to the population problem. *Iranian Demographic Association*, 1(2), 195-215. (In Persian)
- Amin, R. & etal (2006). Values, social problems and balanced development in Malaysia. *Journal of Socio-Economics*, 35(1), 151-165. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2005.12.009>
- Beheshti, M. B., & Zali, N. (2011). Identifying the key factors of regional development with a scenario-based planning approach (A case study of East Azarbaijan Province). *Space planning and design*, 15(1), 41-63. <http://hmsmp.modares.ac.ir/article-21-5418-fa.html> (In Persian)
- Durkheim, E. (1996). *Rules of sociological method* (5th Ed.). Translated by: A. M. Kardan. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Godet, M. (1991). From anticipation to action: A handbook of strategic. UNESCO publishing, Paris 19.
- Godet, M. (2006). *Creating futures: Scenario planning as a strategic management tool*. France: Economica Publish.
- Godet, M. (2000). The art of scenarios and strategic planning: Tools and pitfalls. *Technological Forecasting and Social Change*, 3-22.
- Godet, M., & Durance, P. (2011). *Strategic foresight for corporate and regional development* (pp. 1-180). Unesco Publishing.
- Horton, P. B., & Leslie, G. R. (1960). *The Sociology of Social Problems*, New York: Appleton-Century-Crofts.
- Hosseini Nessar, M. (2014). Social problem from the perspective of sociology. *Roshd Social Science Education Quarterly*, 67, 40-45. (In Persian)
- Keeney, S., Hasson, F., & McKenna, H. P. (2001). *A critical review of the Delphi technique as a research methodology for nursing*. Int J: Nurs Stud.
- Kersten, K. K. (1990). The process of marital disaffection: interventions at various stages. *Family Relations*, 39(30), 257-265. <https://psycnet.apa.org/doi/10.2307/584869>
- Lozvik, D. (2014). *A New Approach in the Analysis of Social Issues*. Translated by: S. Moaidfar. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)

- Malekzadeh, N., Bezazzadeh, M., & Rafiyan, M. (2016). Identification and analysis of key factors affecting urban development with a foresight approach (Case study: Karaj metropolis). *Geography and Urban Space Development*, 3(2), 35-52. (In Persian)
- Meshonis, J. (2015). *Social Issues*. Translated by: H. Nayebi. Tehran: Culture, Art and Communication Research Institute. Vol. 1. (In Persian)
- Rafipour, F. (2009). *Social cancer of corruption* (1st Ed.). Tehran: Publishing Company. (In Persian)
- Rafipour, F. (2012). *Excavations and thoughts*. Tehran: Publishing Company. (In Persian)
- Robbington, E., & Weinberg, M. (2014). *Seven theoretical approaches in examining social issues*. Translated by: R. Sediq Sarostani. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Sadeghi Fasai, S., & Parvin, S. (2018). Crime: On the Construction of Subjectivity, Discourse and Power. *Law Research Quarterly*, 13(33), 220-242. (In Persian)
- Sediq Sarostani, R. (2009). Social pathology (sociology of social deviations). Tehran: Samt. (In Persian)
- Yousefi, A., & Akbari, H. (2013). Sociological reflection on identifying and prioritizing Iran's social issues. *Social Issues of Iran*, 1, 223-195. (In Persian)
- Zafari, M. (2022). Pathology of analyzing social issues in Iran and its solutions. *Quarterly Journal of Environmental Sciences and Geography*, 2(3), 56-77. (In Persian)
- Zali, N. (2012). Strategic Foresight in Regional Planning and Development. Tehran: *Strategic Studies Research Institute*. (In Persian)
- Zali, N., & Mansouri Birjandi, S. (2014). Analysis of key factors affecting the development of sustainable transportation in the 1404 horizon of Tehran metropolis (structural analysis method). *Space Planning and Planning*, 28(1), 1-32. (In Persian)